



## ماهیت پول، از جهت مثلی یا قیمی بودن

پدیدآورنده (ها) : فرحبخش، ابوالفضل

حقوق :: نشریه کفستان حقوقی :: پاییز و زمستان ۱۳۸۹ - شماره های ۱۷ و ۱۸

صفحات : از ۱۵۷ تا ۱۷۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/943586>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- پول امروز، مثلی یا قیمی یا ماهیت سوم؟
- نظریه پردازی ماهیت پول در اقتصاد اسلامی و غرب
- ماهیت پول از منظر فقه اسلامی
- ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن
- تحلیل ماهیت پول
- مروری بر ماهیت شناسی پول و دیدگاه فقیهان
- مشروعیت رمزارزها از منظر فقه حکومتی و فردی
- رابطه ی مثلی و قیمی با جبران کاهش ارزش پول
- بررسی فقهی پول مجازی
- حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- نقش دولت در اقتصاد؛ ممارستی در فلسفه اقتصادی
- نظریه جبران کاهش ارزش پول

## عناوین مشابه

- ماهیت تربیت اخلاقی از نظر فردی یا جمعی بودن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)
- پول مثلی یا قیمی؟
- پول امروز، مثلی یا قیمی یا ماهیت سوم؟
- حذف صفر جراحی زیبایی پول ملی؛ حذف صفر از پول ملی خوب یا بد؟
- نقد ساختار گرا بر نمایش «دو دلک و نصفی»؛ درک شهودی هستی یا شکلی از بودن
- اسلام گرایی یا دموکراسی خواهی؟ تحلیلی بر ریشه ها و ماهیت و الگوهای برآمده از بیداری اسلامی
- کاشف یا ناقل بودن اجازه در عقد فضولی از دیدگاه فقه و حقوق
- مشروعیت رجم و حد یا تعزیر بودن آن از دیدگاه مذاهب اسلامی
- مثلی و قیمی از منظر فقه اسلامی و حقوق ایران
- بررسی تکوینی یا اعتباری بودن حق از دیدگاه آیت الله مصباح

## ماهیت پول، از جهت مثلی یا قیمی بودن

نگارنده: ابوالفضل فرحبخش  
کارشناس حقوق / دانشگاه علوم اسلامی رضوی

کفتمان حقوقی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### چکیده

در مورد ماهیت مثلی یا قیمی بودن پول بحثهای زیادی بین علماء و فقهاء صورت گرفته و در این زمینه نظریات متفاوتی بیان شده بعضی قائل به قیمی بودن پولهای امروزی می‌باشند و بعضی قائل به قیمی بودن پولهای امروزی می‌باشند دسته اول از آنجایی که می‌بینند پول در اثر مرور زمان کاهش ارزش پیدا می‌کند آن را قیمی می‌دانند ولی دسته دوم از آنجایی که تصور می‌کنند پول از لحاظ ارزش و رغبت مردم به آن بین افراد آن تفاوتی نیست آن را مثلی می‌دانند به عبارت دیگر اوصاف و ویژگیهای افراد و اصناف پول را به یک نحو می‌دانند اما باید گفت با توجه به نظر جدیدی که در مورد ماهیت پول نظر برخی فقهاء مطرح شده بهتر است که بین افراد طولی و عرضی آن قائل به تفصیل شد و افراد طولی آن را قیمی و افراد عرضی آن را مثلی دانست.

واژگان کلیدی: ماهیت پول - مثلی - قیمی - مال - انواع پول

## مقدمه

ما در این نوشتار به دنبال بیان ماهیت پول از حیث مثلی یا قیمی بودن می‌باشیم که ابتدائاً متذکر این نکته می‌شویم که چنین بحثی صرفاً آثار حقوقی ندارد بلکه در روابط اقتصادی افراد و انواع عملکرد بانکها و خصوصاً بانک مرکزی تأثیر بسزائی دارد. مسؤلان بانکی بدون توجه به نتایج این گونه بحث‌ها بعید است در دستیابی به اهداف اقتصادی و پولی خود در نظام بانکداری اسلامی موفق گردند اگر چه در نظام بانکداری ربوی نیازی به طرح چنین مباحثی نمی‌باشد. از آنجایی که پول یکی از انواع مال می‌باشد و در واقع پول یک مفهوم مالی می‌باشد ما ابتدائاً ماهیت پول را از دیدگاه لغوی، اقتصادی، حقوقی و فقهی بررسی می‌کنیم چرا که مال در ابواب مختلف فقه و در مباحث اقتصادی و حقوقی کاربردهای فراوانی دارد لذا مفهوم و مقصود آن را از این زوایا بررسی می‌کنیم و بعد از آن در مقام بیان مفهوم مال مثلی و قیمی بر می‌آییم و بعد از آن به سراغ ماهیت پول رفته و تاریخچه آن و بحث مثلی و قیمی بودن آن را با توجه این مطالب بیان می‌کنیم چرا که ما در نحوه استدلال خودمان به بیان این مسائل محوری نیازمندیم. امید است این مقاله مورد توجه طلاب و دانشجویان محترم قرار گرفته و موجب آشنایی بیشتر ایشان در این زمینه گردد.

مفهوم مال از دیدگاه‌های لغوی، اقتصادی، فقهی و حقوقی

### الف: مال از نظر لغت شناسان

در کتب لغت چندگونه تعریف از مال بیان شده که ما به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم.  
 مال: آن چیزی است که معلوم می‌باشد و نیازی به تعریف ندارد.<sup>۱</sup>  
 مال: آن چیزی است که مالک آن باشی.<sup>۲</sup>  
 مال: دارایی از هر نوع که باشد و در نزد روستاییان بر دام و ستور مانند شتران و گوسفندان اطلاق می‌شود.<sup>۳</sup>  
 باید توجه داشت اگر چه ممکن است بر این تعاریف لغوی اشکالاتی وارد شود و موارد نقضی آورده شود ولی فایده این تعاریف این است که ما را به درک مفهوم اصطلاحی مال در نزد فقها و حقوقدانان کمک می‌کند.

۱- صباح المنیر، ج ۱، ص ۵۸۶، نویسنده احمد بن علی القندی القیدی.

۲- المنجد، ص ۷۸۰ - القاموس المحیط، ج ۲، ص ۵۲، نویسنده گان: ۱. یونس محلو ف، ۲. فیروز آبادی.

۳- لغت نامه دهخدا، حرف م، ص ۸۲، نویسنده علی اکبر دهخدا.

### ب: مال از نظر اقتصاددانان

در طول تاریخ سه نظریه کلی و اساسی در مورد ارزش و مالیت اشیاء بین اقتصاد دانان وجود داشته است.

نظریه ارزش (مطلوبیت): بر طبق این نظریه مال (( هر آن چیزی است که در نظر عرف و عقلاء مطلوبیت داشته باشد.))<sup>۲</sup>

نظریه ارزش (هزینه تولید یا کار): براساس این نظریه مال ((هر چیزی است که در تولید یا تحصیل آن هزینه ای مصرف شده باشد.))<sup>۵</sup>

نظریه تلفیق (ارزش هزینه، مطلوبیت): بر طبق این نظریه مال عبارت است از (( هر چیزی که علاوه بر دارا بودن فایده و مطلوبیت برای عرف و عقلاء دارای صفات کمیابی نسبی نیز می باشد.))<sup>۶</sup> باید توجه داشت که این نظریه تلفیق با نظریه بسیاری از فقها در مورد مال سازگاری دارد.

### ج: مال از نظر حقوقدانان

در نحوه بیان مفهوم مال حقوقدانان به دو دسته تقسیم می شوند، دسته ای تعریفی برای مال ارائه می دهند همچون آقای دکتر سید حسن امامی که می نویسد مال ((در اصطلاح حقوقی به چیزی اطلاق می شود که بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد و هر گاه اشیاء ای دارای ارزش مزبور نباشند مانند هواء از اموال به شمار نمی آیند.))<sup>۷</sup> از طرفی دسته ای دیگر تنها عناصر مال را بیان می کنند همچون آقای لنگرودی که می نویسد ((مال هر چیزی است که عناصر ذیل را دارا باشد.

۱. امکان اختصاص به شخص (حقوقی، حقیقی) را داشته باشد پس هوا مال نیست.
۲. دارای نفع باشد پس یک گندم مال نیست.
۳. قابل نقل و انتقال باشد.
۴. دارای منفعت عقلائی باشد.
۵. مال حاکی نیست بلکه واقعیت است که مال می باشد.))<sup>۸</sup>

### د: مال از نظر فقها:

ما به اختصار نظر برخی از فقها را که به آن دست یافته ایم را بیان می کنیم البته با توجه به این نکته که از آنجایی که در بیع، باید عوضین مال باشد از کلام فقهاء مفهوم مال برداشت می شود:

۲- دکتر قدیری: کلیات علم اقتصاد، ص ۹۲.

۵- روندلیمیک، اقتصاددانان کلاسیک و نظریه ارزش، ترجمه سوداگر، ص ۶۵.

۶- دکتر قدیری، کلیات علم اقتصاد، ص ۹۶.

۷- لیماسی، حقوق مدنی، ج ۸، ص ۱۹.

۸- لنگرودی، حقوق اموال، ج ۱، ص ۳۷.

علامه حلی ره «لا يجوز بيع، مالا منفعة فيه لانه ليس مالا»  
 . شیخ طوسی ره «وان كان مبيع مما لا ينتفع به لا يجوز بيع ما لا منفعة معتداً بما غالباً فيه  
 كالخنافس والعقارب والديدان»<sup>۹</sup>  
 . صاحب جواهر ره «فلا يجوز بيع مالا منفعة معتداً بما غالباً فيه كالخنافس والعقارب والديدان.»<sup>۱۰</sup>  
 . آخوند خراسانی ره «المال من الاعتباريات.»<sup>۱۱</sup>

## فصل دوم

### ماهیت مثلی یا قیمی بودن مال

در ابتدا باید متذکر شد مفهوم مثلی یا قیمی بودن مال از ناحیه شرع بیان نشده بلکه این دو اصطلاح از طرف فقیهان در باب ضمان وارد فقه گردیده و باید توجه داشت که مثلی و قیمی دو اصطلاح عرفی می‌باشد و تعاریفی که فقیهان و یا غیرفقیهان از مثلی و قیمی ارائه می‌دهند ضرورتاً تعاریفی نخواهد بود که در همه عصرها مورد قبول باشد زیرا دیدگاه عرف ممکن است نسبت به این گونه امور در عصرهای مختلف تغییر کند بنابراین قدر متیقن تعاریف ارائه شده در صورت صحیح بودن ناظر به اشیاء مربوط به همان عصر می‌باشد چنانچه فقیه اعظم حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید «تعاریف فقیهان در عصرهای مختلف بر طبق اشیاءای مثلی در همان عصرها است» حتی باید گفت مثلی و قیمی بودن شی در مکانهای مختلف ممکن است مختلف باشد در این باره حضرت آیه الله خوئی (ره) می‌فرماید «مثلی و قیمی بر حسب زمانها و مکانها اختلاف پیدا می‌کنند به عنوان مثال پارچه و لباس در گذشته قیمی بود ولی در حال حاضر مثلی است زیرا اکثر آنها به نحو واحدی بافت می‌شود» به هر حال تعاریفی که فقها از مثلی و قیمی کرده‌اند هماهنگ نیست که ما ذکر نمونه‌هایی که به آنها دست یافته ایم می‌پردازیم و بعد از آن نظر حقوقدانان را در مورد مثلی و قیمی بیان می‌کنیم.

### تعریف مثلی و قیمی از دیدگاه فقهاء

فقها در تعاریفی که برای مثلی و قیمی بیان کرده‌اند به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول: تعدادی فقط بر این امر اکتفا کرده‌اند که مثلی و قیمی یک امر عرفی است بدون این که تعریف خاص ارائه دهند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

۹- علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۵، ص ۴۶۵.

۱۰- شیخ طوسی، مسبوط فعل ما یقع بیعه و مالا یتبع من ۱۱۰.

۱۱- النبی، جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۳۴۳.

۱۲- آخوند خراسانی حاشیه مکاسب، ص ۳.



امام خمینی (ره) ((تعیین مثلی و قیمی بر عهده عرف می باشد و ظاهراً محصولات کارخانه ها در عصر حاضر از قبیل مثلی ها یا در حکم آن است.))<sup>۱۳</sup>

شیخ اعظم انصاری (ره) ((معنای مثل و قیمی حقیقت شرعیه است و نه متشرعه و منظور از آن معنای لغوی آن هم نیست بلکه هر شیئی که بر مثلی یا قیمی بودن آن اجماع باشد و در صورت اختلاف به اصول عملیه رجوع می شود.))<sup>۱۴</sup>

دسته دوم: این دسته اشاره به اتحاد شی در نوع یا صفت کرده اند.

مرحوم اصفهانی (کمپانی) (ره) ((صفات مقابل ذات اگر از قبیل صفاتی باشند که از نظر نوع برای آنها افراد مثل هم وجود داشته باشد، موصوف به آن صفات را مثلی و اگر از نظر نوع چنین نباشد قیمی می گویند.))<sup>۱۵</sup>

محقق خونی (ره) ((اوصاف اشیاء بر دو دسته اند: ۱. اوصافی که برای موصوف بر حسب نوع یا صفت، افراد مماثل داشته باشد که در این صورت آن شیء مثلی و اگر موصوف این دسته از اوصاف به نحوی که ذکر شد نباشد، قیمی است.))

دسته سوم: که توسط شیخ اعظم انصاری در مکاسب مطرح شده و به مشهور نسبت داده شده ((مثلی عبارت است از اشیاء ای که اجزای آن از حیث قیمت با هم مساوی باشد. دسته چهارم: که توسط دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در کتاب پول در اقتصاد اسلامی بیان شده ((مثلی چیزی است که نمونه های مشابه داشته باشد.))

دسته پنجم: که مبنای این دسته دغبت و میل مردم است.

آیه الله محسن حکیم (ره) ((آنچه به آن مثلی می گویند شیئی ای است که رغبت و تمایل مردم نسبت به افراد آن بر اثر صفات موجود در افراد آن تفاوت پیدا نکند.))

### مثلی و قیمی از نظر حقوقدانان

ظاهراً می توان گفت از دو عنوان مثلی و قیمی در فقه اسلامی بحث شده و حقوقدانان در این زمینه از فقها متابعت کرده اند.

آقای امامی می گوید. مثل عبارت است از مالی که اشتباه و نظر اند آن زیاد و شایع باشد مانند حبوبات معذالک تشخیص این معنا با عرف است که این تعریف را بیشتر حقوقدانان از جمله آقای کاتوزیان مورد تصدیق قرار می دهند و در قانون مدنی حال حاضر ایران نیز در ماده (۹۵۰)

۱۳- امام خمینی (ره)، قدیر الوسیله، ج ۲، ص ۱۸۰.

۱۴- شیخ اعظم انصاری (ره)، مکاسب حرمدی، ص ۱۰۶.

۱۵- مرحوم اصفهانی (ره)، حاشیه بر مکاسب، بحث ضمان مثلی و قیمی، ص ۵۲.



همین تعریف آمده است.

### فصل سوم؛ ماهیت پول

مباحث در خصوص ماهیت پول را تحت سه عنوان به بحث می‌گذاریم؛ اول؛ تاریخچه پول. دوم؛ ماهیت و تعریف پول. سوم؛ مثلی یا قیمی بودن پول.

#### اول؛ تاریخچه پول

در طول تاریخ زندگی بشر می‌توان به چهار دوره اشاره کرد: ۱. مبادلات پایاپای ۲. پول کالایی (غیر فلزی) ۳. پول فلزی (طلا و نقره) ۴. پول کاغذی (اسکناس)

#### الف: مبادلات پایاپای

در این دوره با توجه به شیوه زندگی مردم که غالباً به صورت قبیله‌ای بوده و قبائل از طریق مردم خود و وسائل زندگی و معیشتی و خوراکی را فراهم می‌کرده‌اند، مبادلاتی که در آن زمان صورت می‌گرفت پایاپای بود همین کالاها یا گوناگون که از نظر ظاهر و کیفیت باهم تفاوت داشت مورد مبادله قرار می‌گرفت یعنی اگر شخصی دامدار بود مقداری شیر یا گوسفند یا پوست را به کشاورز می‌داد و در عوض کندم یا نخود یا لوبیا یا ... دریافت می‌کرد لذا می‌توان گفت در این دوره کالا نقش پول را بازی می‌کرد.



#### ب: پول کالایی (غیر فلزی)

بعد از این که زندگی بشر از شکل خود معیشتی بیرون آمد، مردم پی بردند که ناهمگونی و ناهمانندی ارزشهای مختلف انواع کالاها مشکل عمده و اساسی برای معاملات پایاپای بوده لذا سرانجام وفاق عمومی بر آن شد که کالایی وجود داشته باشد تا ارزش مبادله‌ای همه کالاها را دیگر به کمک ارزش مبادله‌ای آن کالا مشخص شود بنابراین مبادله پایاپای جای خود را به مبادله کالا با پول داد که چند نمونه از آن عبارتند از نمک، صدف، ماهی خشک شده، توتون، پوست و لباس.

#### ج: پول فلزی (طلا و نقره)

با افزایش تولید کالا بعد از مدتی بازارهای محلی اشباع شد و کالاها می‌بایست به بازارهای دور دست که حمل آن مشکل تر بود انتقال داده شود لذا به دنبال وسیله مبادله‌ای دیگری افتادند تا مبادله کالاها به واسطه آن به آسانی صورت گیرد که نام آن وسیله مبادله‌ای پول فلزی بود که از طلا و نقره بود.



## د: پول کاغذی (اسکناس)

در این دوره انقلاب صنعتی در کشورهای اروپایی باعث افزایش در بازار تولید بر مصرف خانوارها و بنگاه‌ها همانند حتی بسیاری از کشورهای صنعتی نیاز به بازارهایی در آن سوی مرزهای ملی خود، برای فروش کالاها و داخلی پیدا کردند و به طور کلی رشد تولیدات کالاها به مقدار قابل توجهی نسبت به رشد و استخراج طلا و نقره بود از طرفی برای جلوگیری از رکود اقتصادی به مبادله بیشتر نیاز بود و این در حالی بود که پولهای فلزی برای حجم مبادلات آن زمان کفایت نمی‌کرد لذا این امور موجب گردید تا انسان در فکر معادل دیگر به جای طلا و نقره باشد و به مرور فهمید چنین چیزی همان پول کاغذی و اسکناس است.

## دوم؛ ماهیت و تعریف پول

در خصوص تعریف پول کاغذی می‌توان گفت «اوراق نقدی می‌باشد که از سوی دولتها به منظور تسهیل داد و ستد ارزش معاملات پیدا کرده و عرف اقتصادی نیز آنها را پذیرفته است» اما در مورد ماهیت پول باید گفت اولاً؛ پول مال محسوب می‌شود. ثانیاً؛ بنا بر فتوای برخی فقها همچون امام خمینی (ره) مال اعتباری محسوب می‌شود.

ایشان می‌فرمایند «اوراق نقدیه مثل اسکناس، دینار و دلار و امثال آنها مالیت اعتباری دارند و مانند طلا و نقره مسکوک می‌باشند، پرداخت آنها به طلبکار بدهی است و اگر کسی آنها را از بین ببرد و یا در دست او تلف شود مثل سایر اموال ضمان دارد»<sup>۱۶</sup> این نظر در باره پولهای کاغذی مورد اتفاق مشهور فقها بوده و اکثر فقها مطابق آن فتوا داده‌اند.<sup>۱۷</sup>

با این وجود از عبارت برخی از صاحب‌نظران از جمله شهید بهشتی به نظر می‌رسد، ایشان پول را سند اعتباری دانسته‌اند.<sup>۱۸</sup> البته ایشان در صدد اثبات یا نفی ماهیت پول نبوده‌اند، بلکه به دنبال اثبات این بوده‌اند که پول دارای ارزش بالذات به واسطه کار است. همچنین برخی از اقتصاددانان مسلمان نیز به سند اعتباری بودن پول اذعان کرده‌اند.<sup>۱۹</sup>

## سوم؛ آیا پول ماهیتی مثل دارد یا قیمی؟

در مورد مثلی یا قیمی بودن پول باید دو مطلب روشن شود نخست این که آیا این پولهای امروزی مثلی هستند یا قیمی یعنی اگر کسی مثلاً کسی مثلاً هزار تومان به دیگری قرض بدهد هنگام باز پرداخت باید مثل آن را بپردازد یا قیمت آن را و مطلب دیگر این که در صورت مثلی بودن پول در چه اوصافی و ویژگی‌هایی پولها مثلی می‌باشند.

۱۶. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۱۳، مسأله ۵.  
 ۱۷. گروهی از کسانی که اینگونه فتوا داده‌اند؛ ۱- سید کاظم یزدی در عروه الرقی، ج ۲، ص ۲۸، مسأله ۵۶، ۲. سید ابوالقاسم خوئی، توضیح المسائل، مسأله مستحده، ص ۵۳۷.

۱۸. شهید دکتر بهشتی، ربا در اسلام، ص ۵۱.

۱۹. توتونچیان، مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، ص ۲۰.



ما در مورد این که پول کاغذی امروزی مثلی است یا فیمی ابتدا به نقل گفتار چند نفر از علماء و محققین اکتفا می‌کنیم سپس با توجه به تعویض که در مورد مال مثل و قیمی ارائه دادیم و با توجه به بحث تاریخی که در مورد پول بیان کردیم مثلی بودن پول را تبیین می‌کنیم و در آخر بحث نیز متذکر این نکته می‌شویم که برخی از فقهای معاصر نظری قابل تامل و مقبول در مورد مثلی یا قیمی بودن پول مطرح می‌کنند که در آن قائل به تفصیل بین افراد طولی پول و افراد عرضی پول در این زمینه شده‌اند.

### کلام فقها:

آیت الله صدر (ره) می‌فرماید: (پولهای کاغذی اگر چه مال مثلی می‌باشند ولی مثل آنها همان ورق و قیمت ظاهری آنها نمی‌باشد بلکه هر آن چیزی که قیمت واقعی آن را مجسم و بیان کند مثلی می‌باشد بنابراین اگر بانک هنگام باز پرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران به مقدار قیمت حقیقی آنچه را که دریافت کرده است، پرداخت کند مرتکب ربا نشده است.)

آیت الله سید محمود هاشمی می‌فرماید: (ارزش و مالیت این برگه‌ها (پول) درست به اندازه قدرت خرید آنها است بنابراین ناگزیر، جایگزین همان (مثل) دریافت می‌شود) دفتر همکاری جامعه مدرسین قم در کتاب پول در اقتصاد اسلامی می‌نویسد (مالیت اعتباری از نوع مثلی است و در فقه احکام مال مثلی بر آن مترتب می‌گردد).<sup>۲۱</sup>

حال، ما در این مقام به دنبال مستدل کردن و تبیین نظریه مثلی بودن پول امروزی، می‌باشیم که ظاهراً مطابق با نظر فقهای مذکور می‌باشد.

در استدلال بر مثلی بودن پول از دو طریق استفاده می‌شود، یکی با استفاده از تحلیل پیشینه تاریخی پول که قبلاً متذکر شدیم و دیگری از طریق تعاریفی که برای مال مثلی بیان شد.

### مثلی بودن پول بر اساس نگاه تاریخی

در بحث تاریخچه پول، آن هم پول کالایی مطرح شد که یکی از مشکلات عمده معاملات پایاپای ناهمگون و ناهمسازی ارزشهای مختلف انواع کالاهای بود لذا مبادله‌کنندگان در آن دوران مقدار مالیت انواع تولیدات خود را از طریق آن اشیایی که به عنوان پول کالایی قرار گرفته بودند به عنوان مقایس و معیار ارزش، اندازه‌گیری کرده و با یکدیگر مقایسه می‌کردند و بعد از آن معامله پایاپای را انجام می‌دادند و بر اساس ارزش مبادله‌ای پول کالایی، ارزش کالاهای خود را اندازه‌گیری

۲۰- آیت الله صدر، الاسلام بقصد الحباهی شی، ص ۱۱.

۲۱- آیت الله سید محمود هاشمی، مجله فقه اهل بیت، شماره ۲، ص ۷۳ سال ۱۳۷۲.



می‌کردند و در صورتی که ارزش مبادله ای کالاها را با ارزش مبادله ای پول کالایی مساوی می‌دیدند مبادله انجام می‌شد و این امر در صورتی امکان داشت، و در عین حال مشکلات مبادلات پایاپای را حل می‌کرد، که واحدهای مختلف پول عرفاً مثل هم باشد و گزینه معیار سنجش متفاوت می‌گردید و اگر شی قیمی به عنوان پول وارد مبادلات می‌شد باید از نوع خاصی می‌بود که از نظر شکل و ظاهر و ارزش مبادله عرفاً تفاوتی نداشته باشد لذا می‌توان این طور نتیجه گرفت که معیار سنجش در آن دوره می‌بایست ثابت باشد لذا پول در آن مقطع مثلی بود و اما بعد از این دوره باید گفت: در دوره بعدی یعنی در دورانی که فلزاتی مثل طلا و نقره وارد مبادلات شد اهمیت آنها از جهت پولی و ارزش مبادله ای بیش از پیش نمایان گردید به طوری که این جهت برای عرف چنان اهمیت داشت که اگر دولتها در عیار آن دست می‌بردند جامعه فوراً واکنش نشان می‌داد لذا در این مقطع طلا و نقره (پول فلزی) به عنوان کالای مثلی محسوب می‌شد البته منوط به این که عیار و درجه خلوص آن نزد عرف و عقلاء یکسان بود.

اما در مرحله ای که اسکناس (پول کاغذی) وارد مبادلات شد و رابطه مردم با طلا و نقره قطع شد در نزد عرف این اسکناس در بردارنده ارزش مبادله ای گردید و به همین جهت جنبه ارزش مبادله ای داشتن آن موجب گردید که در عرف مال محسوب شود، مالی که تمام مالیت آن در ارزش مبادله ای آن است لذا در نتیجه می‌توان گفت پول هم، مثل پولهای کالایی و پول فلزی از نوع مثلی می‌باشد که برای توضیح این مطلب در قالب مثال می‌گوییم.

هزار ریال ارزش مبادله ای است که ممکن است در یک کاغذ پاره رنگی خاص با رقم ۱۰۰۰ ریال ظاهر شود یا اینکه در دو قطعه کاغذ پاره دیگر با رقمهای ۵۰۰ ریالی ظاهر شود بنابراین تمام قطعات ۱۰۰۰ ریالی بر حسب مقدار ارزش مبادله ای که دارند مثل هم محسوب می‌شوند حتی پول ۱۰۰۰ ریالی با دو قطعه پول کاغذی ۵۰۰ ریالی از جهت ارزش مبادله ای که دارند مثل هم محسوب می‌شوند.

#### مثلی بودن پول بر اساس تعریف مال مثلی

مناسب ترین تعریفی که برای مال مثلی از میان تعاریف گذشته توانستیم بیان کنیم خلاصه آن این می‌شود که اشیاء مثلی به اعتبار صفات و ویژگیهایی مثلی هستند که میزان رغبت، مالیت و ارزش مبادله ای آن اشیاء از آن صفات نشأت گرفته باشد به علاوه این که مقدار آن ارزش و رغبت در افراد مثلی متفاوت نباشد چرا که در صورت وجود اختلاف، دیگر مثلی محسوب نمی‌شود

همانطور که شیخ اعظم انصاری (ره) در کتاب مکاسب می گوید مشهور فقهاء قائل هستند مراد از مثلی ما یتساوی اجزاه من حیث القیمة است.

با این تعریفی که از مال مثلی بیان کردیم به خوبی آشکار می شود که پول کاغذی امروزی مال مثلی است با همه صفاتی که دخیل در رغبت و مطلوبیت و در نتیجه در مالیت و ارزش مبادله ای آن موثر باشد و همه می دانیم که صرف یک کاغذ پاره رنگی که برای هیچ کاری مورد استفاده قرار نمی گیرد هیچ گونه ارزش ندارد و آنچه در نظر عرف اهمیت دارد، مالیت و ارزش مبادله ای و قدرت خرید آن است که در همه پولها این ویژگی یکسان می باشد.

حال در این جا جواب آن سؤال را که در ابتدای بحث مطرح کردیم روشن می شود و آن اینکه اگر پول ماهیت مثلی دارا باشد چه اوصافی و ویژگیهایی در مثلی بودن لحاظ می شود که با مطلب بالا این جواب روشن شد که پولها در اوصافی همچون مالیت، ارزش مبادله، میزان رغبت و قدرت خرید مثل هم می باشند.

#### سخن قائلین به قیمی بودن پول

این دسته از علماء قائل می باشند که از آنجایی که پولهای امروزی ارزش آنها دائماً در حال تغییر و دگرگونی است نمی توان برای آنها ماهیتی مثلی قائل شد بلکه باید آنها را قیمی تصور کرد. تا به حالا تمامی مطالبی که مطرح شد و استدلالهایی که بر مثلی و قیمی بودن مطرح شد مربوط پولهایی بود که در یک زمان و دوره می باشد اما اگر بخواهیم پول را در دوره های طولانی تصور کنیم نظر صحیح و مناسب بلکه بهترین نظر این می باشد که بین افراد طولی و عرضی پول قائل به تفصیل شویم و افراد عرضی را مثلی بدانیم و افراد طولی را قیمی بدانیم که برای توضیح این نظریه ما به سخن آیت الله عاصفی (دامت برکاته) اشاره می کنیم و نحوه استدلال ایشان را مطرح می کنیم. نظریه برخی از فقها مبنی بر تفصیل بین افراد طولی پول و افراد عرضی آن

آیت الله عاصفی (رض) با توجه به مساله کاهش ارزش پول در مورد مثلی یا قیمی بودن پول قائل به تفصیل بین افراد طولی و عرضی پول شده اند یعنی قائل هستند افراد عرضی پول (یعنی پولی که در یک عصر وجود دارد) مثلی می باشند ولی افراد طولی پول (یعنی پول در گذشت و گذر زمان) قیمی می باشند.

### توضیح مطلب:

ایشان در استدلال خود می‌گویند: مشهور فقها، مثلی را تعریف کرده‌اند به ما یتساوی اجزاءه من حیث القیمة یعنی در صورتی که صفات و ویژگی‌هایی که در ارزش کالا مطلوب است و میزان ارزش کالا است و مورد رغبت مردم است، مساوی باشند کالا مثلی است و الاً قیمی است و ظاهراً آنچه از کلمات فقهاء استفاده می‌شود این است که مقصود از همسان بودن افراد یک کُلّی طبیعی، افراد عرضی آن می‌باشد و در مورد افراد طولی یک کلی که مماثل و همسان هستند ولی در زمانهای مختلف قیمت‌هایی با تفاوت فاحش دارا می‌باشد ظاهراً چیزی نه به سلب و نه به ایجاب نگفته‌اند و بعید نیست که حکم افراد طولی همسان و مختلف القیمة باشد (یعنی قیمی فرض شوند). ممکن است ارزش یک کالا در زمانهای مختلف صعود و نزول حادی داشته باشد و با توجه به این که در افراد طولی یک کالا که مماثل و همسان می‌باشند ولی در دو زمان مختلف از لحاظ قیمت دچار صعود و نزول حادی شوند، آیا باز می‌توانیم بگوئیم این کالا مثلی است و ضمانت کالای مثلی را دارد؟ و آیا می‌توان مورد را از مثلیات شمرد که در نتیجه تفاوت قیمت بر عهده ضامن نباشد یا این که از موارد مثلیات نیست و از قیّمیات است که در این صورت تفاوت قیمت بر عهده ضامن باشد؟ قهراً این طور نیست که دو فرد از کالایی که مثل همدیگر هستند، اما در دو زمان مختلف دو قیمت دارند به حدّی که از نظر عرف این اختلاف قابل اغماض نیست، اگر این کالا را قیمی ندانیم کاهش قیمت آن بر عهده ضامن نخواهد بود اما اگر آن را قیمی بدانیم، قطعاً کاهش قیمت آن بر عهده ضامن می‌باشد.

برای توضیح این مطلب لازم است گفته شود که اولاً فقها مساله متمائل بودن افراد طولی یک کالا را که در زمانهای مختلف، اختلاف و تفاوت قیمت دارند را نه به سلب و نه به ایجاب مطرح نکرده‌اند و ثانیاً تعریفی که مشهور برای قیمی و مثلی بیان کرده به همان دلالتی که شامل افراد عرضی می‌شود، شامل افراد طولی نیز می‌شود چون طبق این تعریف با اختلاف مالیت و قیمت در زمانهای مختلف و اختلاف رغبت مردم آن چیز از قیّمیات شمرده می‌شود.

با این دو ملاحظه می‌توان پول اعتباری را با توجه به ارزش شناوری که دارد آن را در افراد طولی از قیسیات شمرد نه از مثلیات و فقهاء که تصریح می‌کنند پول از مثلیات است نه قیّمیات نظرشان به افراد عرضی پول است نه افراد طولی و به نظر می‌رسد اشکالی نداشته باشد که افراد عرضی شیء از مثلیات باشند ولی افراد طولی از قیّمات.<sup>۳۳</sup>

## فهرست منابع

## منابع عربی:

- . الاسلام يقود الحياة / سيد محمد باقر صدر / انتشارات دار المعارف للمطبوعات / چاپ دوم سال ۱۳۹۹ ه.ق.  
. القاموس المحيط / فيروز آبادی / انتشارات دارالجيل بيروت  
. المنجد / لويس معلوف / انتشارات اسماعيليان / چاپ اول تير ۱۳۶۲ ه.ش.  
. البيع امام خميني / مطبوعاتي اسماعيليان / چاپ سوم / ۱۳۶۳ ه.ش.  
. حواشي مكاسب / آخوند خراساني (ره) / انتشارت ارشاد / چاپ اول.  
. تحرير الوسيلة امام خميني (ره) انتشارات مطبوعاتي اسماعيليان چاپ سوم سال ۱۳۸۴ ه.ش.  
. تذكرة الفقهاء / علاقه حلی (ره) / انتشارات مرتضويه  
. مصباح المنير / احمد بن علي المقدي الفيضاني انتشارات دارالفجر چاپ اول سال ۱۴۰۵ ه.ق.  
. مبسوط / شيخ طوسي (ره) / ناشر موسسه نشر اسلامي چاپ اول ۱۴۲۵ ه.ق.  
. مكاسب شيخ اعظم انصاري (ره)

- . جواهر الكلام / سيد حسن نجفی (ره) / انتشارات دار الجنب الاسلاميه چاپ هفتم ۱۳۶۷ ه.ش  
منابع فارسی

- . اموال و مالکیت کاتوزیان / ناصر کاتوزیان / ناشر شرکت سهامی انتشار / چاپ اول ۱۳۸۷.  
. حقوق مدنی / امامی سید حسن / ناشر کتابفروشی اسلامیه / چاپ ۱۱ / ۱۳۷۱ ه.ش.  
. حقوق اموال / لنگرودی / ناشر کتابخانه گنج دانش تهران / چاپ سوم / ۱۳۷۳ ه.ش.  
. ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی / احمد علی یوسفی / ناشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / چاپ اول / مهر ماه ۱۳۷۵ ه.ش / انتشارات موسسه فرهنگی اندیشه.  
. پول و نظامهای پولی / تهیه کننده بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی / چاپ اول / زمستان ۱۳۷۵ ه.ش.  
. پول در نگاه فقه و اقتصاد / نویسنده پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / انتشارات موسسه فرهنگی اندیشه / چاپ اول / مهر ماه ۱۳۷۵ ه.ش.  
. سیاستهای پول در بانکداری بدون ربا / سعید فراهانی فرد / ناشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی / چاپ اول / ۱۳۸۷ ه.ش.  
. پول، بهره، تورم / احمد شعبانی / انتشارات دانشگاه امام صادق / چاپ اول ۱۳۸۷ ه.ش.